

— حمید عطائی نظری
استادیار پژوهشگاہ علوم و فرهنگ اسلامی

ضرورت اعتنا به میراث کلامی شریف مرتضی

۱۲۵-۱۱۷

پژوهشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حمید عطائی نظری

چکیده: اندیشه‌ها و نگاه‌ها و نگاشته‌های کلامی سید مرتضی، عالم و متکلم بزرگ امامی، از چند جهت حائز اهمیت و شایان توجه جدی است. نخست آنکه مکتب کلامی شریف مرتضی، اولین مکتب کلامی بازمانده «مبسوط» و «نظام‌مند» در امامیه به‌شمار می‌آید که نظامی مفصل و منسجم از اعتقادات امامیه را ارائه کرده است. این مکتب، همچنین، نمودار عقل‌گرایانه‌ترین مکتب کلامی پدیدآمده در کلام امامیه است که احیای آن در عصر حاضر، برای تعدیل خردگرایی حاکم بر جریان پرطرفدار خشوی‌گرا بسیار ثمربخش و لازم به نظر می‌رسد. افزون بر این، نگاه‌ها و نگاشته‌های کلامی سید مرتضی آثار اصیل و حاوی اندیشه‌های بدیع کلامی است و به هیچ وجه، رونوشتی محض از اندیشه‌ها و نوشته‌های متکلمان پیش از او نیست. همچنین، آثار او قرائتی متقدم و خوانشی مهم از اعتقادات شیعی را حکایت می‌کند که برای شناخت تشیع راستین بسیار سودمند است. با این وصف، تاکنون از میراث کلامی گرانسنگ شریف مرتضی ویراسته‌های منقح و عالمانه‌ای منتشر نشده است. هرگونه تحقیق و تدقیق در باب آراء کلامی شریف مرتضی متوقف بر تمهید و ویراسته‌هایی دقیق و صحیح از آثار کلامی اوست که البته مهارت و دقت و حوصله ویژه‌ای نیاز دارد.

کلید واژه: شریف مرتضی، آثار کلامی، کلام امامیه، تصحیح متون، تشیع.

— The Necessity of Paying Attention to Sharif Murtadhā's Theological Legacy

By: Hamīd Atāie Nazari

Abstract: The theological thoughts and writings of Sayyid Murtadhā, the great Imamiya theologian and scholar, are important in several ways, and worth paying close attention. First of all, Sharif Murtadhā's theological school is considered to be the first «comprehensive» and «systematic» theological school in Imamiya, which has presented a detailed and consistent system of Imamiya beliefs. This school is also the most rationalistic theological school in Imamiya theology and its revival in the present era is very fruitful and necessary for modifying the irrationality which is dominating the popular movement of those who care too much about the unnecessary things. In addition to this, Sayyid Murtadhā's theological writings are original works which contain some new theological thoughts, and by no means is a mere transcript of the thoughts and writings of the theologians before him. Also his works indicate an early and an important reading of the Shiite beliefs that are very useful for understanding true Shi'a. Nevertheless, no scholarly and corrected editions of Sharif Murtadhā's precious theological works have been published yet. Any research and analysis of Sharif Murtadhā's theological works depends on preparing some precise and correct editions of his theological works which of course requires special skill and patience.

Key words: Sharif Murtadhā, theological works, Imamiya theology, correcting the texts, Shi'ism.

— ضرورة الاهتمام بالتراث الكلامي للشيخ المرتضى —

حمید عطائی نظری

تحتل الآراء والمؤلفات الكلامية للسيد المرتضى - العالم والمتكلم الإمامي الكبير - بالأهمية الفائقة وتستحق الانتباه العميق من عدة جهات.

فمن جهة تعدد المدرسة الكلامية للشيخ المرتضى أولى المدارس الكلامية المفضلة والمنسجمة الموجودة في الوسط الإمامي، والتي تقدم منظومة مفضلة ومنسجمة من العقائد الإمامية.

كما أن هذه المدرسة هي المثال النموذجي للمدرسة الكلامية الأكثر عقلانية بين مدارس علم الكلام لدى الإمامية حتى الآن، والتي نرى ضرورة إحيائها وجدواها في أيامنا هذه للتقليل من غلواء هجران العقل الحاكم على تيار الحشوية الشائع في هذه الأيام.

يضاف إلى ذلك أن كتابات السيد المرتضى الكلامية هي من الكتابات الأصيلة والمشعبة بالأفكار الكلامية البديعة، بعيداً عن أن تكون استنساخاً محضاً لأفكار ومؤلفات من سبقه من المتكلمين.

كما أن آثار هذا العالم تؤثر قراءة متقدمة وانعكاساً مهماً للعقائد الشيعية مما يجعل منها مصدراً مفيداً جداً للتعريف بالتشيع الأصيل.

ورغم ذلك لم يتم نشر هذا التراث الكلامي القيم للشيخ المرتضى في طبعة منقحة علمياً حتى الآن، في حين أن أي تحقيق وتدقيق في مجال الآراء الكلامية للشيخ المرتضى يتوقف على توفير التحريات الدقيقة والصحيحة لآثاره الكلامية، والتي لا شك في وجوب توفر المهارة والدقة والأناة الفائقة لدى من يقوم بها.

المفردات الأساسية: الشيخ المرتضى، الآثار الكلامية، كلام الإمامية، تصحیح النصوص، التشيع.

ضرورت اعتنا به میراث کلامی شریف مرتضی

حمید عطائی نظری

پیش از این، در باب جنبه‌های علمی گوناگون دانشور نامور امامی، شریف مرتضی علی بن حسین موسوی (د: ۴۳۶ ه.ق.) و مشارکت وی در پیشبرد علوم دینی و ادبی مختلف زمانه خودش، سخن‌ها گفته شده است؛ اما به نظر می‌رسد نقش او و مساهماتش در رشد و تعالی کلام امامیه هنوز به خوبی روشن نشده و در این باب بررسی بیشتری باید صورت گیرد. پرسش‌هایی از قبیل اینکه: شریف مرتضی چه نقشی در تکوین و تکامل کلام امامیه ایفا نمود؟ نگاه‌های کلامی او چه منزلت و مرتبتی در میان ثراث کلامی امامیه دارد؟ تصحیح و نشر و مطالعه آثار وی، و تحقیق و تدقیق در میراث کلامی علم الهدی امروزه برای ما چه فایده و ضرورتی دارد؟ و اینکه چرا اکنون باید به بازخوانی جدی مکتوبات کلامی او پرداخت؟ همگی در زمره سؤالات مهم و بنیادینی است که برای تبیین جایگاه علمی واقعی سید مرتضی در کلام امامیه و خدمات او در این زمینه به مکتب تشیع باید مجال طرح یابد و بدان‌ها پاسخ داده شود.

در همین راستا، نگارنده بنا دارد در مقال حاضر وجوه مختلف اهمیت میراث کلامی شریف مرتضی را به‌اجمال، برشمارد و بر لزوم پرداخت به اندیشه‌ها و ثراث کلامی او تأکید نماید. ارزیابی کلی ویراست‌های عرضه شده از مکتوبات کلامی سید مرتضی، و تشریح ضرورت اهتمام و دقت بسیار در ارائه تصحیح‌های انتقادی تازه از آن میراث سترگ نیز از دیگر موضوعاتی است که در همین چارچوب بدان‌ها پرداخته می‌شود.

به باور نویسنده، اندیشه‌های کلامی شریف مرتضی و میراث کلامی او به دلایل زیر حائز اهمیت بسیار و شایسته توجه فراوان است:

۱. مکتب کلامی شریف مرتضی، نخستین مکتب کلامی بازمانده «مبسوط» و «نظام‌مند» در امامیه است. در درازنای تاریخ تفکر شیعه، متکلمان بسیاری ظهور کرده‌اند و هر یک به سهم خود، در راستای تبیین و دفاع از بنیادهای کلامی این مذهب مجاهدت‌هایی نموده‌اند؛ اما از این میان، تعداد متکلمان مبتکر و مکتب‌ساز و تأثیرگذار بسیار اندک است. بی‌گمان، سید مرتضی، همچون استادش شیخ مفید، در شمار همین اندک متکلمان مبتکر و صاحب‌نظر، و بنیانگذار یکی از چند مکتب کلامی برجسته در طول تاریخ تفکر امامیه است. مکتب کلامی او - که می‌توان آن را در برابر «مکتب بغداد متقدم» (یعنی مکتب کلامی شیخ مفید و پیروانش)، «مکتب بغداد متأخر» نامید - چندان قدرت یافت که توانست مکتب استادش، شیخ مفید، را کنار زند و تا دست‌کم چند قرن بعد بر اندیشه کلامی امامیه سیطره خود را تثبیت نماید.

اگرچه مکتب و اندیشه کلامی شیخ مفید از جهاتی همچون اندیشه‌های نوآورانه و تلفیق ادله عقلی با مستندات نقلی و ایجاد هماهنگی و تقریب میان آنها، برتر از مکتب سید مرتضی است، بی‌تردید مکتب علم الهدی از حیث «تفصیل مطالب» و «ارائه نظامی منسجم از عقائد امامیه»، تفوق بر کلام شیخ مفید داشته، از جهت یادشده، نظیری در میان امامیان متقدم ندارد. از همین جا می‌توان به یکی از وجوه اهمیت

متون بعدی کلام امامیه نیز پیوسته تکرار شده است. همچنین، مکتوبات کلامی شریف مرتضی، هم، گنجینه‌ای است ارزشمند از تأملات وی در باب مسائل کلامی، و هم منبعی است غنی برای آگاهی از مجادلات نخستین در خصوص موضوعات و مباحث اعتقادی امامیه.

بنابراین یکی دیگر از وجوه اهمیت نگاشته‌های کلامی شریف مرتضی آن است که در مجموع آنها آراء ناب و مطالب بدیع فراوانی وجود دارد و نوشته‌های وی بازنگاشتی محض از آثار متکلمان سلفش نیست. در تاریخ کلام امامیه، تعداد متکلمان صاحب فکر و اندیشه مثل علم الهدی که توانسته باشند استدلال‌های قویم و تبیین‌های جدیدی را - ولو در برخی زمینه‌ها و موضوعات محدود - در عرصه مباحث کلامی عرضه کرده باشند بسیار اندک است و از این حیث، سید مرتضی چهره‌ای آگرنه بی‌بدیل، کم‌نظیر و پُراج در میان امامیان است.

۳. آثار کلامی شریف مرتضی، نشانگر قرائتی متقدم و خوانشی مهم از اعتقادات شیعی است.

در اینکه تمام عالمان رسمی امامیه بر پذیرش یکسری اصول کلی اعتقادی به عنوان «اصول ضروری مذهب امامیه» اتفاق نظر و اجماع دارند شکی نیست. قوام و بنیاد مکتب تشیع امامی نیز وابسته به همان «اصول ضروری مذهب امامیه» است و باور به همان اصول کلی تغییرناپذیر هم معیار اعتقاد به این مذهب به شمار می‌آید. اما گذشته از این، در باب فروع و جزئیات اعتقادی و نحوه تفسیر و تبیین آنها، اختلافات بسیاری میان متکلمان و محدثان و سایر دانشوران امامی وجود داشته و دارد به طوری که هریک از آنها، با رویکرد خاص خود، موضعی خاص در برابر پاره‌ای مسائل اعتقادی اتخاذ کرده است یا قرائت و خوانشی ویژه از آنها ارائه نموده. همین اختلافات قابل توجه، موجب پدید آمدن قرائت‌ها و خوانش‌های متفاوتی از تشیع شده است و تقریر و تحریرهای گونه‌گونی از اعتقادات شیعی را در تاریخ امامیه رقم زده.

اکنون برای دستیابی به شناخت هرچه صحیح‌تر و دقیق‌تر از تشیع اصیل و راستین - یعنی همان تشیع حقیقی مقبول و مورد تأیید ائمه (علیهم السلام) -، چاره‌ای نیست جز بررسی ژرف‌نگرانه و مطالعه باریک بینانه تمامی قرائت‌ها و خوانش‌های ارائه شده از سوی دانشمندان رسمی و معروف امامیه از دوران کهن تا کنون. بدین منظور نخست باید از دیدگاه‌های آنها در خصوص مسائل کلامی و ادله و شواهدی که در تأیید دیدگاه‌هایشان ارائه کرده‌اند

آثار شریف مرتضی پی‌برد. نگاشته‌های کلامی پُر شمار و در عین حال، پُر بار و برگ سید مرتضی بازتاب دهنده نخستین مکتب کلامی بازمانده «مبسوط» و «نظام‌مند» در امامیه است. بسیاری از مسائل کلامی که بنا به دلایلی در مکتب شیخ مفید توفیق طرح و دریافت پاسخ نیافت، در تألیفات سید مرتضی مجال طرح و فرصت بررسی پیدا کرد. مقایسه حجم آثار کلامی نگاشته شده از سوی مرتضی با میزان مکتوبات کلامی شیخ مفید شاهد و گویای تفاوت یادشده است و دست‌کم، در این تردید نیست که مسائل کلامی مطرح شده در آثار برج‌مانده از سید، از حیث تنوع و تکثرو تفصیل، بر میراث کلامی به‌یادگارمانده از شیخ مفید فزونی دارد.

افزون بر این، «ارائه نظامی منسجم از عقائد امامیه» خصیصه‌ای مهم در مجموع تراث کلامی شریف مرتضی است که در آثار بازمانده شیخ مفید وجود ندارد. مهم‌ترین نگاشته‌های کلامی سید مرتضی، یعنی مجموع دو کتاب المُلَخَّص و الذخیره، نشانگر یک نظام کلامی منسجم و کامل از اعتقادات امامیه است، در حالی که چنین ساختار نظام‌مندی در آثار کلامی موجود شیخ مفید یا دیگر متکلمان امامی پیش از شیخ مفید (مثل نوبختیان) دیده نمی‌شود، بلکه باید چنین نظامی از مجموع آثار کلامی آنها استخراج و تنسیق و تنظیم گردد.

۲. نگاشته‌های کلامی شریف مرتضی، آثاری اصیل و حاوی اندیشه‌های بدیع کلامی است.

بررسی آثار کلامی سید مرتضی نشان می‌دهد، با وجود تأثیرپذیری قابل توجه وی در برخی مسائل و موضوعات از عالمان امامی پیش از خود، به‌ویژه استادش شیخ مفید (م ۴۱۳ ه.ق.)، و معتزلیان بصری به‌شمی متقدم براو، خاصه قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ ه.ق.)، شخص سید، در بسیاری از مسائل، متفکری مبتکر و دانشمندی صاحب رأی و نظر است. به بیان دیگر، شریف مرتضی در نگارش آثارش، افزون بر بهره‌مندی از نگاشته‌های کلامی متکلمان پیشین، خود نیز اندیشیده و حاصل تفکرات و تأملاتش را در تألیفات گوناگونش بیان کرده است، نه اینکه همچون بسیاری از متکلمان، پیرو متفکر و متکلمی دیگر باشد و صرفاً به تکرار سخن پیشینیان بسنده کرده باشد. برای نمونه، پاسخهای سید به پرسش‌های اعتقادی عرضه شده براو، در موارد قابل توجهی حاصل تأمل و اندیشه و رأی ثاقب خود اوست و بسیاری از آنها تا به امروز نیز مقبول کلام پژوهان قرار گرفته یا دست‌کم جایگزین بهتری پیدا نکرده است. به همین دلیل، شمار زیادی از دیدگاه‌ها و پاسخ‌های ابداعی سید در باب مسائل کلامی، پس از او در

آگاهی یافت، و پس از آن، به ارزیابی آنها از طریق عرضه به کتاب و عزت و خرد پرداخت.

به اعتقاد نگارنده، نزدیک‌ترین قرائت و برداشت از تشیع به تشیع امامی اصیل و راستین، آن خوانش و برداشتی از اعتقادات شیعی است که خط متکلمان رسمی و برجسته امامیه - از شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی تا محقق حلّی و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلّی و فاضل مقداد و مانند ایشان - ارائه کرده و در آن اشتراک نظر داشته‌اند. نظام اعتقادی امامیه را در طول تاریخ تشیع همین متکلمان برجسته بر مبنای آیات و روایات و استدلال‌های عقلی ترسیم و تبیین کرده‌اند؛ لذا این دسته از عالمان امامی آشناترین کسان به اعتقادات راستین اسلامی و شیعی هستند. در نتیجه، یگانه راه تحصیل برترین و نزدیکترین شناخت به تشیع اصیل، مطالعه آثار این متکلمان برجسته و رسمی امامیه است. اگرچه در میان همین متکلمان نیز اختلافات بسیاری در خصوص مسائل فرعی اعتقادی وجود دارد، وجوه اشتراک آنها در ردّ یا پذیرش عقیده‌ای، می‌تواند ملاک و معیار خوبی برای طرد یا قبول آن عقیده باشد. اگر آموزه‌ای اعتقادی یا خوانشی ویژه از آن، مورد قبول خط متکلمان رسمی امامی در تاریخ کلام امامیه قرار گرفته باشد، همین اجماع و اتفاق نظر دلیلی است استوار برای پذیرش آن عقیده یا خوانش ویژه. برخلاف این، اگر نظریه‌ای اعتقادی یا خوانشی خاص از آن، مطرود متکلمان رسمی امامی باشد، اجماع آنها بر طرد آن نظریه یا خوانش، شاهد معتبر و سند معتمدی است برای انکار آن. بنابراین، نزدیکترین تقریر به تشیع راستین، خارج از چارچوب تشیعی که متکلمان رسمی امامی ترسیم کرده‌اند، نیست.

با توجه به مطلب یادشده، وجه اهمیت دیگر آثار کلامی شریف مرتضی بر ما آشکار می‌شود. در واقع، میراث کلامی سید از این جنبه نیز برای ما حائز اهمیت است که حکایتگر تلقی و برداشت وی از آموزه‌ها و تعالیم شیعی است. آگاهی از اینکه حدود هزار سال پیش، و در سال‌هایی نزدیک به حیات ائمه هدی (علیهم السلام)، دانشمندی به پایه علم الهدی چه فهم و درک و قرائتی از اعتقادات شیعی داشته است و چگونه آنها را تقریر و تبیین و تحریر می‌کرده، برای دستیابی ما به شناختی بهتر و دقیق‌تر و نابتر از مکتب تشیع بسیار مفید و حیاتی است. از این حیث، سطر به سطر نوشته‌های سید مرتضی - و البته تمام عالمان امامی برجسته متقدم - ارزشمند و شایان توجه است. دانشورانی چون شیخ مفید و شریف مرتضی و شیخ طوسی، جملگی از اساطین و ارکان مذهب امامیه به شمار می‌آیند و جنبه‌های علمی مختلف

این مکتب بردست آنها تکوین و تکامل یافته، از این رو آن قرائت و خوانشی که ایشان از اعتقادات تشیع امامی تحریر و تقریر کرده‌اند ارزشی ویژه داشته، به هیچ‌روی قابل مقایسه با بسیاری از متکلمان پس از آنها نیست.

طبعاً در نگرش‌ها و نگارش‌های کلامی شریف مرتضی نقاط قابل انتقاد و نکات شایسته انکار نیز وجود دارد و هرگز نمی‌توان ادعای درستی و استواری تمامی اندیشه‌ها و نگاشته‌های او یا هر عالم امامی دیگر را مطرح کرد و بر آن اصرار نمود؛ لیک این مقدار مسلم است که آشنایی با تفکرات شریف مرتضی برای دستیابی به فهمی صحیح و درکی قویم از آموزه‌ها و تعالیم شیعی بسیار نافع و لازم است.

۴. مکتوبات کلامی شریف مرتضی نمودار عقل‌گرایانه‌ترین مکتب کلامی موجود در کلام امامیه است.

مکاتب کلامی پدید آمده در تاریخ کلام امامیه از حیث میزان گرایش به روش و دلایل عقلی یا نقلی برای اثبات و تبیین مدعیات کلامی گوناگونند. برخی تمایل به استفاده حدّ اکثری از آیات و روایات دارند و استدلال‌های عقلی را در بسیاری از مسائل معتبر و معتمد نمی‌دانند؛ و برخی در طرف مقابل، سعی در بهره‌جویی پیشینه از دلایل عقلی دارند و استناد به احادیث را، که اغلب خبر واحد و غیر مفید یقین هستند، در مسائل اعتقادی مجاز نمی‌شمردند. برخی نیز همچون شیخ مفید کوشیده‌اند راهی متعادل و میانه برگزینند و ضمن بهره‌مندی از حجت‌های عقلی و دلایل نقلی، از افراط در عقل‌گرایی یا نقل‌گرایی اجتناب کنند. در این میان، مکتب کلامی شریف مرتضی عقل‌گرایانه‌ترین مکتب کلامی تکوین یافته در کلام امامیه است. اگرچه بر سر تعریف عقل و عقل‌گرایی اختلافات قابل توجهی وجود دارد، عباتاً در باب عقل‌گرایی معتزله، که شریف مرتضی در امامیه آن را نمایندگی می‌کند، تردید و خلافتی مشاهده نمی‌شود. گرایش شریف مرتضی به عقل و استدلال‌های عقلی و در عین حال، بی‌عنایتی وی به میراث روایی کلامی چندان شدید و قوی است که ممکن است برخی او را به سبب افراط در عقل‌گرایی اعتزالی نکوهش کنند.

نگارنده، در این مجال اندک، در صدد داوری درباره ادعای افراط شریف مرتضی در عقل‌گرایی و پیامدهای نیک یا ناگوار آن در مباحث کلامی نیست؛ زیرا هرگونه داوری دقیق در این باب، مستلزم بررسی تام و دقیق آثار شریف مرتضی از حیث میزان و مواضع استناد وی به استدلال‌های عقلی و ارزیابی آنهاست. اما این ادعا قابل طرح است

که در زمانه ما، احیاء فکر کلامی خردگرای شریف مرتضی به منظور تعدیل خردگرایی حاکم بر جریان پرطرفدار حشوی‌گرا بسیار ثمربخش و لازم است. بسیاری از گفتارها و نوشتارهایی که در این عصر از سوی برخی مدعیان دین‌شناسی ابراز شده است و مایه و هن دین و موجب تعریض و تعرض به باورهای مذهب ارجمند امامیه گردیده، ریشه در پذیرش عامیانه روایات بدون هرگونه نقد و سنجشگری است. از این رو احیا و بازخوانی میراث کلامی متکلمان عقل‌گرایی همچون شیخ مفید و سید مرتضی، که هم با میراث حدیثی امامیه آشنایی کافی داشتند و هم از تبخّر خاصی در شناخت روایات معتبر از نامعتبر برخوردار بودند و می‌کوشیدند میراث امامیه را از روایات نامعتبر و نامعتمد بپیرایند، از ضرورت‌های کنونی تحقیقات کلامی ماست.

ممکن است کسانی با داوری شریف مرتضی در خصوص پاره‌ای روایات موافق نباشند و به درستی نیز به نقد آن بپردازند یا حتی اثبات کنند که در مواردی، رأی شریف مرتضی برخلاف مقتضای اصول عقلانی است، در اینها بحثی نیست؛ اما آنچه برای فکر دینی امروز ما مهم و مفید است، نحوه اتّجاه و رویکرد کلی سید مرتضی به مجموعه روایات اعتقادی است. رویکردی که پیوسته بر نقد و سنجش روایات، و تأمل در باب محتوا و معانی آنها تأکید می‌کند، و از شتاب در پذیرش هر آنچه به عنوان روایت در میراث حدیثی امامیه وارد شده است بر حذر می‌دارد، و از این رو در تقابل با رویکرد حشوی‌گرایانه در مواجهه با احادیث قرار دارد.

نکات تقدیم شده و مطالب پیشگفته، به گمانم، ارج و منزلت و اهمّیت آثار شریف مرتضی را بخوبی اثبات می‌کند و ضرورت اعتنا به میراث کلامی ارزشمند او را برای ما آشکار می‌سازد.

اکنون باید لختی درنگ کرد و دید چه بر سر این ثروت پراچ آمده است و ما وارثان آن میراث گرانسنگ چگونه آن را پاس داشته‌ایم؟ راقم این سطور پیش از این، در چند نقدی که بر ویراست‌های معیوب و مغلوپ برخی از آثار کلامی مطبوع شریف مرتضی منتشر کرده است،^۱ به آشفتگی و ناستواری ویراست‌های عرضه شده از تألیفات وی به تفصیل پرداخته است. آن نقدها تا حدودی نشان می‌دهد که برخی از نگاشته‌های کلامی مهم شریف مرتضی به چه صورت پریشان و حالت تأشف برانگیزی منتشر شده است. فقدان نسخه‌های کهن و معتبر از بیشتر آثار سید از یک سو، و تخصّص نداشتن بسیاری از مصّححان آثار او از سوی دیگر، فرایندی را در تصحیح و انتشار نگاشته‌های وی رقم زده است که حاصل آن، عرضه ویراست‌های نامنقح و نابسامان از آنهاست.

چنان‌که در نوشتارهای پیش‌گفته نیز یادآور شدم، اساساً نحوه مواجهه با آثار کهن و تصحیح آنها، با گونه برخورد با نگاشته‌های قرون متأخر بسیار متفاوت است. ذهن و زبان و سبک ادبی مؤلفان کتب قرون متقدّم با آنچه در قرون بعدی و دوره معاصر شاهد هستیم، اختلاف قابل توجهی دارد؛ از این رو، دست‌یازیدن به تصحیح آنها تخصّص و تبخّر و حوصله و ویژه خود را می‌طلبد که البته در هر کسی یافت نمی‌شود. دشواری معانی و سختی زبانی مکتوبات شریف مرتضی، در کنار عیبناکی و نقصان نسخه‌های بازمانده از آثار او، در مجموع، کار تصحیح نوشته‌های وی را بسیار طاقت‌فرسا و مردافکن می‌نماید. تحریفات و تصحیفات

۱. این نقدها به ترتیب عبارتند از:

۱. نقد ویراست کتاب «الذخیره»، نگرید: عطائی نظری، حمید، «لزوم توجه به نقش هم‌خانوادگی متون در تصحیح آثار کلامی: نظری برطبعی نامطبوع از کتاب الذخیره سید مرتضی»، مجله گزارش میراث، ش ۶۲، ۶۱، آذر و اسفند ۱۳۹۲، ص ۲۳-۳۳.

۲. نقد تصحیح کتاب «المُلخّص»، نگرید: عطائی نظری، حمید، «لزوم توجه به نقش هم‌خانوادگی متون در تصحیح آثار کلامی (۲): ارزیابی تصحیحی شتابزده از المُلخّص فی اصول الدین شریف مرتضی»، فصلنامه نقد کتاب میراث، سال دوم، شماره ۶-۷، تابستان و پاییز ۱۳۹۴، ص ۶۳-۷۸.

۳. نقد ویراست آقای سید مهدی رجائی از رساله «جواب المسائل الطوائسیات الثانیة» سید مرتضی، نگرید: عطائی نظری، حمید، «نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۳): فصائب و مضاعب رسائل سید مرتضی»، مجله آینه پژوهش، سال ۲۷، ش ۱۵۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۵، ص ۳۷-۴۷.

۴. نقد تصحیح مجموعه رسائلی از شریف مرتضی که با تحقیق زیر عنوان «مسائل المرتضی» در بیروت منتشر شده است، نگرید: عطائی نظری، حمید، «نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۹): مسائل المرتضی و مشکلات آن»، مجله آینه پژوهش، ش ۱۶۶، مهر و آبان ۱۳۹۶.

به اعتقاد نگارنده، نزدیک‌ترین قرائت و برداشت از تشیع به تشیع امامی اصیل و راستین، آن خوانش و برداشتی از اعتقادات شیعی است که خط متکلمان رسمی و برجسته امامیه - از شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی تا محقق حلّی و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلّی و فاضل مقداد و مانند ایشان - ارائه کرده و در آن اشتراک نظر داشته‌اند.

فراوان حادث شده در دست‌نوشته‌های آثار علم‌الهدی در گذر زمان، امر تصحیح نگاشته‌های او را دشوار، و در مواردی، حتی یافتن ضبط صحیح را مُتَعَدِّر می‌سازد.

دانشورانی چون شیخ مفید و شریف مرتضی و شیخ طوسی، جملگی از اساطین و ارکان مذهب امامیه به شمار می‌آیند و جنبه‌های علمی مختلف این مکتب بر دست آنها تکوین و تکامل یافته، از این رو آن قرائت و خوانشی که ایشان از اعتقادات تشیع امامی تحریر و تقریر کرده‌اند ارزشی ویژه داشته، به هیچ‌روی قابل مقایسه با بسیاری از متکلمان پس از آنها نیست.

با چنین وضعی، تصحیح هر یک از آثار سید و عالمان هم‌عصر وی، در واقع، حکم ترمیم یک اثری باستانی را پیدا می‌کند. همان‌طور که یک معمار یا باستان‌شناس با مهارت و دقت بسیار تلاش می‌کند تکه‌به‌تکه اثری باستانی را با ظرافت، ترمیم و بازسازی کند، مُصَحِّح آثاری همچون نوشته‌های شریف مرتضی نیز باید با همین دقت و مهارت و ظرافت به تصحیح عبارات وی بپردازد. در اینگونه تألیفات، مُصَحِّح ناگزیر است کارش را کلمه‌به‌کلمه پیش ببرد و هرگز نمی‌تواند باشتاب به تصحیح عبارات بپردازد و همچون نوشته‌های اعصار متأخر، صفحه‌به‌صفحه کار تصحیح را به انجام رساند. در واقع، چگونگی ضبط یکایک کلمات در این دست‌متن‌ها محل دقت و شایسته تأمل بسیار است. چه بسا، یافتن خوانش صحیح یک کلمه یا ضبط درست عبارتی در این قبیل نگاشته‌ها، ساعت‌ها وقت برای جست‌وجو در منابع مختلف و مشورت با اهل فضل طلب کند، و این امر را فقط کسانی بدرستی درمی‌یابند که خود، با تصحیح متون آن دوران دست و پنجه نرم کرده باشند. تصحیح اینگونه کتاب‌ها زمانی بخوبی صورت می‌پذیرد، که مُصَحِّح، با دقت تمام هم از تمام نسخ معتبر بازمانده از اثر استفاده کند، و هم از آثار جنبی دیگر - اعم از سایر نگاشته‌های نویسنده، متون هم‌خانواده و هم عصر با نوشته، و نیز منقولات آحیانا راه یافته از آن اثر به کتاب‌های عالمان بعدی - بیشینه بهره را ببرد.^۲

چنین دقت‌ها و کوشش‌هایی در تصحیح متون ادب فارسی سابقه بسیار دارد. از باب نمونه کافی است به شاهنامه و ویراست‌های مختلف آن و مباحث متنوع بسیاری که گرداگرد تصحیح ابیات آن رقم خورده است، نظاره کنیم. در چند دهه اخیر، شاهنامه‌پژوهان در باب ویراست‌های مختلف این اثر مجادلات پرشوری داشته‌اند و همچنان نیز می‌کوشند از گوشه و کنار شاهنامه و نسخه‌های مختلفش، یا سایر متون مربوط به این شاهکار، شاهد یا دلیلی برجحان فلان ضبط یا اثبات نادرستی بهمان خوانش از کلمه‌ای در آن پیدا کنند. در این زمینه، گاه نقد و بررسی‌های مفصل و بسیار جدی صورت گرفته است و به دنبال آن، سلسله مقالات متعددی نیز به نگارش درآمد. ^۳ همین مجادلات و مفاوضات، در عرصه حافظ‌پژوهی^۴ و سعدی‌شناسی نیز با طراوت و حرارت بسیار در جریان است.

شوربختانه نظیر چنین مباحثات و رد و ایرام‌های پُر‌نمری را در خصوص تصحیح متون کلامی کهن خویش اصلاً شاهد نیستیم. در واقع تا آنجا که اطلاع دارم، در سالیان اخیر - جز نقدهای این کمترین - هیچ نقد مبسوطی در خصوص ویراست‌های متون کلامی نوشته نشده است^۵ و سطح نقدهایی هم که از سوی

۲. راقم این سطور که ضمن اعتراف به توان و بی‌اعانت بسیار اندک خود برای دست‌یازیدن به امر خطیر و دشوار تصحیح آثار شریف مرتضی، بنا به اسبابی، به تصحیح رساله «جَوَابُ الْمَسْأَلَةِ الْقُرْآنِيَّةِ الْثَّانِيَّةِ» سید مرتضی اشتغال یافته است، افزون بر مقابله کامل رساله با دوازده نسخه برتر از آن و نیز دو چاپ پیشین این رساله، به پی‌جویی قطعات منقول از آن در برخی مصادر همچون بحار الأئوال پرداخته و تمام اختلاف ضبط‌های مهم را تا حد امکان گزارش کرده است. این مطلب را صرفاً بدین جهت یادآور شدم که نشان دهم خود نیز بدین شیوه از تصحیح، عامل و پایبند هستم و از مرزها و سختی‌های آن باخبرم، و بنا بر این، فقط به نسخه‌پیچی برای دیگران نمی‌پردازم! علاقه‌مندان به آثار شریف مرتضی، خود، با مقایسه حاصل چنین فرایندی در تصحیح متن رساله با دو ویراست قبلی آن بخوبی درخواهند یافت که در نحوه ارائه متن، بین آنها تفاوت از زمین تا آسمان است و گویی اساساً با متن تازه‌ای روبرو می‌شوند. وضع و حال بسیاری از دیگر نوشته‌های شریف مرتضی نیز چنین است که ویراستهای تازه آن - بشرطی که با دقت و مهارت کافی انجام یافته باشد و فرایندی که بیان شد در آنها رعایت شود - اختلاف فاحشی با ویراستهای پیشین این آثار خواهد داشت.

۳. فقط از باب نمونه نگرید به مقالات دکتر محمود امیدسالار در باب تصحیح شاهنامه در: امید سالار، محمود، سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۹.

۴. برای آگاهی از مقالات متعددی که در باب تصحیح ابیات دیوان حافظ نوشته شده است نگاه کنید به کتابشناسی مفصلی که با مشخصات زیر به چاپ رسیده است: قیصری، ابراهیم، ابیات بحث‌انگیز دیوان حافظ، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۰.

۵. یکی از اندک نمونه‌های نقد تصحیح متون کلامی در سالهای دور عبارتست از نقد استاد دانشمند سید محمدرضا حسینی جلالی که قریب ۱۶ سال پیش در انتقاد از طبع مجمع‌الفکر اسلامی از کتاب النجاة في القيامة في تحقيق أمر الأمامة نگاشته این میثم بحرانی با نام مستعار

این بنده مطرح شده، صرفاً در حدّ اشاره به اغلاط فاحش و افتادگی‌های واضح متون - به اصطلاح - تصحیح شده بوده است. در چنین حال و وضعی معلوم است که اصلاً نوبت به بحث‌های دقیق و جزئی در باب صورت صحیح ضبط فلان اصطلاح یا عبارت در متون کلامی نمی‌رسد و بناگزی باید به گوشزد کردن خطاهای کلان اکتفا نمود. بنابراین فاصله ما در نقد تصحیح متون کلامی با وضعیتی که در نقد تصحیح متون ادب فارسی وجود دارد، بسیار زیاد، و تا حدّی غیر قابل قیاس است.

این در حالی است که اهمّیت و ارزش میراث کلامی ما، که پیوندی استوار با شناخت راستین از مسائل اعتقادی دارد، قابل مقایسه با متون ادبی - که البته در جای خود ارزش ملّی و ادبی و فرهنگی بسیار دارد - نیست. به نظر می‌رسد مصححان متون دینی ما، که با کلام خدا و رسول او و پیشوایان (علیهم السلام) و عالمان بزرگ امامیه سرو کار دارند، باید در قیاس با مصححان متون ادبی، که به افسانه‌ها و داستان‌های شاهنامه یا اشعار سعدی و حافظ و مولانا می‌پردازند، دقت و اهتمام بیشتری در امر تصحیح متون داشته باشند. آیا سزاوار نیست نظیر آن میزان جدّیت و باریکی بینی که از سوی محققان متون ادبی صرف ضبط اشعار ادیبان می‌گردد، در ضبط سخنان ائمّه (علیهم السلام) و مکتوبات بزرگانی چون شیخ مفید و سید مرتضی نیز به کار بسته شود؟

مرحوم دکتر عبدالحسین ززین کوب در مقاله‌ای ارزشمند زیر عنوان «شیوه نقد و تصحیح متون»، که به گمانم خواندنش برای هر مصححی ضرور است، پاره‌ای از دشواری‌ها و پیچیدگی‌های تصحیح متون کهن را برشمرده، به مقایسه شیوه کار مصححان مغرب‌زمین در تصحیح متون فارسی و نحوه تصحیح آثار ادبی و اسلامی بردست مصححان ایران‌زمین پرداخته است. وی تفاوت اصلی میان این دو شیوه را در میزان کوشایی و بردباری و دقت ورزی نوع محققان غربی در کار تصحیح متن، و کاهلی و شتابزدگی و بی‌دقتی بیشتر مصحح وطنی در این امر دانسته، در توصیف روال کاری یک مصحح غربی می‌نویسد:

«محقق اروپایی، که از علم لدّتی و از اشراق و شهود ادیبان ما، بویی نبرده است، وقتی می‌خواهد اثری را که از آن نویسندگان و

شاعران قدیم ماست، طبع و نشر کنند در دقت افراط می‌کند و اگر محقق واقعی باشد - نه مدعی و جاسوس مثلاً - این دقت او دیگر سربوسواس می‌زند. نسخه‌های کتاب را از هر جا جستجو می‌کند، فهرست‌های کتابخانه‌های جهان را از روی دقت و ارسی می‌کند، برای بدست آوردن نسخه‌ی یا اطلاعاتی از یک نسخه، به شهرها و کشورهای دور سفر می‌کند، ساعت‌ها و روزها در بین قفسه‌ها و صندوق‌های گردآلود کتابخانه‌ها تفحص می‌نماید، از هر کسی و از هر جایی که احتمال می‌دهد بتواند خبری از نسخه مطلوبش بدست دهد سراغ می‌گیرد، با تمام اهل خبرت، آنقدر که ممکن است، مکاتبه می‌کند. اگر نتواند تمام نسخه‌های موجود کتاب را بدست آورد، از کهنه‌ترین و معتبرترین آنها، آنقدر که ممکن هست اطلاعات درست و دقیق موثّق بدست می‌آورد و بسا که چندین سال تمام اوقات خود را صرف می‌کند تا نسخ کتابی را که مطلوب و منظور اوست، یا عکس‌ها و رونویسهایی از آن نسخ را از اطراف دنیا جمع بیاورد، اتفاق می‌افتد که وقتی از وجود نسخه‌ی معتبر و دقیق اطلاع پیدا می‌کند، و آن را در دسترس ندارد، کار تصحیح و مقابله را موقوف می‌کند و تمام وقت و سعی و همت خود را صرف می‌کند تا آن نسخه یا رونویسی از آن را بدست بیاورد. تازه، قناعت بنسخه‌های موجود نمی‌کند، در تذکره‌ها و مجموعه‌ها، در رساله‌ها و سفینه‌ها هم تفحص می‌کند تا اگر اجزایی از آن کتاب در جایی دیگر نقل و انتخاب شده است آنها را هم بدست بیاورد و در مقابله و تصحیح مواضع و مواردی که ضرورت اقتضا می‌کند، از آنها نیز فایده بجوید»^۶. سپس در انتقاد از شیوه کار برخی از مصححان ایرانی بالحنی طنزآمیز می‌نویسد:

«اینهمه زحمت و مزارت را محقق فرنگی، برای آن در تصحیح و نقد متون تحمل می‌کند که گمان می‌کند، این کار قاعده‌ی و ترتیبی دیگر ندارد. بیچاره، کار را بر خودش سخت می‌گیرد و برای همین است که نقد و تصحیح یک کتاب، برای او گاه بیست سی سال مدّت می‌گیرد. غافل، که فضلاء و ادیبان ما به یمن همت و مجاهده و ببرکت شهود و مکاشفه راه‌هایی آسان‌تر برای این کار یافته‌اند و برای همین است که باسانی می‌توانند سالی سه چهار کتاب بزرگ را که هر کدام از آنها برای فرنگی کار یک عمر است تصحیح و مقابله کنند. ماشاء الله! حقیقت این است که برای فضلاء و ادیبان ما، اصلاً کار باین دشواری که فرنگی‌ها گمان برده‌اند، نیست. آخر تصحیح کتاب کهنه، چه فرقی دارد با

۶. ززین کوب، عبدالحسین، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، انتشارات سخن، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۰.

«ابویوسف العلوی» در مجلّه علوم الحدیث منتشر شد. نگرید به: العلوی، ابویوسف، «تحقیق التراث: من این؟ والی این؟»، مجلّه علوم الحدیث، محرم - جمادی الثانیة ۱۴۲۳ - العدد ۱۱، ص ۲۶۶ - ۳۱۱. همین مقاله، چندی پیش، در کتاب زیرنیز با چاپ شد: حبیبی جلالی، سید محمد رضا، علم تحقیق النصوص، ماهو؟ و لماذا؟ و کیف؟، ۱۴۳۳ مؤسسه المرتضی للثقافة و النشر / دارالمرتضی للنشر، النجف الأشرف، ج ۲، ص ۱۳۴ - ۱۷۴.

غلط‌گيري روزنامه و مجله ۴).^۷

در ادامه نيز براي تاکيد مطلب خاطر نشان کرده‌اند:

«اينها، اغراق و طبييت نيست چنډ و حقيقت است، و از اين مقايسه، خوب مي‌توان تفاوت بين شيوه نقد و تصحيح محققان فرنگي را با شيوه نقد و تصحيح فضلاء خودمان دريافت. اين را شيوه محققان فرنگي گفتم، چون اهل فضل عادت کرده‌اند آن را چنين بنامند و گرنه اکابر محققان سلف ما نيز، در نقد متون از دقت و امانت هيچ دقيقه‌يي را فروگذار نمي‌کرده‌اند. آخر عقل سليم حکم مي‌کند، که وقتي شما مي‌خواهيد از گفته کسی، «اتخاذ سند» کنيد و بر آن گفته ترتيب اثری بدهيد و مطالبی از آن درباره گوينده اش استنباط و استنتاج بنماييد، بايد شرط دقت و امانت را در نقل و ضبط آن گفته به کار ببريد و لااقل خودتان اطمینان پيدا کنيد که آنچه از قول او نقل مي‌کنيد واقعاً قول خود اوست نه قول مدعيان او».^۸

حقيقت آن است که عبارات موجود در برخی از ويراست‌های فعلی از آثار شريف مرتضى هيچ شايسته اعتماد و قابل استناد به سيد مرتضى نيست و براساس آنها نمي‌توان از اندیشه‌های سيد سخن گفت. ميزان خطاها و افتادگی‌ها در ضبط کلمات و عبارات وی گاه تا اندازه‌ای است که بطور کلی معنا و مفهوم گفتار نويسنده را تغيير داده است. بنا بر اين تنها راه برای بهره‌مندی از آثار و آراء علم الهدی، ارائه ويراست‌هایی منقح و علمی از نگاهته‌های اوست.

در مجامع علمی و آکادمیک دنيا، تصحيح دقيق و انتشار صحيح آثار هر دانشمند کهنی را گام نخست ضروری در پژوهش در باب تفکرات او می‌دانند و هزینه و وقت بسیاری نيز برای آن صرف می‌کنند - چنان که، از باب نمونه، آقای دکتر آموس برتولاچی (Amos Bertolacci)، ابن سينا شناس برجسته ایتالیایی، هم اکنون در قالب یک پروژه تحقیقاتی کلان (ERC Advanced Grant ۳۳۹۶۲۱) به مدت پنج سال (از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹) با بودجه‌ای هنگفت (بیش از یک میلیون و صد و چهل هزار یورو معادل بیش از پنج ميليارد تومان)،^۹ به جمع‌آوری تمام نسخ مهم کتاب الهیات شفلی ابن سينا از سراسر دنيا پرداخته است و درصدد ارائه تصحيحی

انتقادی از اين متن همراه با ترجمه انگلیسی آن است (کاری که البته علی القاعده بايد در اين مرز و بوم و به دست محققان آن صورت می‌پذيرفت، ولی از آنجا که همیشه خرجهای مهمتری از مسائل علمی و فرهنگي در اين مملکت وجود دارد، حتی یکصدم هزینه یاد شده هم برای احیای چنین کتابی تخصیص داده نشده و احتمالاً نخواهد شد!)^{۱۰} لذا بايد خدا را سپاس گوئيم که دست کم معهدی فرنگي حاضر به تأمین بودجه احیای اين کتاب ماندگار از ابن سينا شده است. همچنين جای آن دارد که از آقای برتولاچی هم به سبب کوشش‌هایشان در راه تصحيح و ترجمه و نشر آن اثر، کمال قدردانی و سپاس را داشته باشيم.

بنابراين روشن است که مقدمه ضروري هرگونه مطالعه و تحقيق در باب اندیشه‌ها و آراء شريف مرتضى نيز فراهم آوردن ويراستی انتقادی و محققانه از مجموع آثار اوست. اساساً سخن گفتن از دیدگاههای سيد مرتضى، پيش از مطالعه عمیق مجموعه نگاهته‌های وی، که طبعاً متوقف بر تمهيد ويراستهای دقيق از آنهاست، نمی‌تواند اظهار نظری کاملاً استوار و گزارشی بر صواب باشد. تا جمیع نوشته‌های شريف مرتضى با دقت کافی تصحيح و منتشر نشود، هرچه در باب آراء و نظرگاههای وی بر اساس ويراستهای نامنقح و ناستوار از آثار او استنباط و ابراز شود، ارزش و اعتبار علمی چندانی نخواهد داشت.

اميد می‌برم در سایه تلاشهایی که خادمان مخلص ثراث شيعه، در راستای احیاء مجدد ميراث شريف مرتضى به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت وی می‌نمایند - به ويژه کوشش‌های فاضل ارجمند جناب آقای شيخ محمد حسين درایتی، که مشفقانه و با جدیت و درایت، به گزارذ وظیفه خطير مدیریت تصحيح ميراث شريف مرتضى می‌پردازند - شاهد ارائه ويراستهایی عالمانه و شايسته از نگاهته‌های ارجمند علم الهدی باشيم. نیک می‌دانيم که کنگره‌ها و همایش‌ها و نمایش‌ها همگی بزودی از یاد می‌رود و آنچه تنها به یادگار می‌ماند و ماندگار می‌شود، آثار علمی انتاج یافته از آنهاست؛ مدد حق روزه روزه فزون باد، بيمته و کریمه!

۱۰. آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی چندین سال قبل درصدد انتشار کتاب الهیات شفلاء با گزیده‌ای از حواشی و تعليقات مهم نگاهته شده بر این اثر بودند. تا آنجا که اطلاع دارم، تنها جلد نخست آن اثر مهم و ارزشمند توفیق انتشار یافت (الشفاء «الهيات» و تعليقات صدر المتألهين عليها مع زیادة الحواشی من: میرداماد، العلوی، الخوانساری، السبزواری، الملاء سلیمان، الملاء اولیاء و غیرهم و معها: عون إخوان الصفاء علی فهم کتاب الشفاء لبهاء‌الدین محمد الاصبهانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگي، ۱۳۸۳) و سه مجلد دیگران، به دلیل آنکه هيچ مؤسسه‌ای تاکنون حاضر به تأمین هزینه‌های تحقيق و نشر آن نشده است همچنان در انتظار نشر به سر می‌برد.

۷. همان، ص ۲۲.

۸. همان، ص ۲۴.

۹. در باب مشخصات این پروژه و جزئیات آن نگریه به:

<http://www.avicennaproject.eu/>

http://homepage.sns.it/bertolacci/ERC_Advanced_Grant.html